

راهنمای مربی‌گری بخش دوم:

در هلال احمر با هم دوستیم و به هم احترام می‌گذاریم



آشنایی با خدمات داوطلبانه و بشردوستانه یکی از اهداف کلی چهارگانه آموزشی سازمان جوانان جمعیت هلال احمر است. در سطح کودکان پیش از دبستان آشنایی با مفاهیم و ارزش‌های دوستی و احترام به عنوان ارزش‌های پایه، اساسی و ساده، هدف آموزشی سازمان است. انتظار می‌رود در انتهای تدریس این بخش نوآموز به اهداف آموزشی زیر رسیده باشد.



اهداف آموزشی

۱. نوآموز حداقل سه راه دوست‌یابی را بشناسد و آنها را در زندگی واقعی به کار ببرد.
۲. نوآموز با مفهوم کمک کردن به عنوان یک راه حفظ دوستی آشنا شود و آن را در زندگی واقعی به کار ببرد.
۳. نوآموز با مفهوم احترام آشنا شود و در بیشتر موقعیت‌های واقعی زندگی کلمات و رفتارهای محترمانه را به کار ببرد.



روش تدریس قصه مورچه و کبوتر

این درس مانند قصه‌های دیگر کتاب با عنوان قصه مهربانی مشخص شده است. همان طور که در بخش قبل گفتیم قصه‌های کتاب باید با شیوه قصه‌گویی برای نوآموزان روایت شود. در قصه‌گویی برخلاف روایت ساده قصه، هم با نوآموزان تعامل برقرار می‌کنید و هم با هیجان قصه را تعریف می‌کنید. پیشنهادهای زیر می‌تواند قصه‌گویی شما را جذاب‌تر کند.





قصه مورچه و کبوتر

یکی بود یکی نبود. در جنگلی زیبا، همه حیوانات کنار هم زندگی می‌کردند و برکه‌ای کوچک وسط جنگل قرار داشت. مورچه کوچولو هر روز کنار برکه می‌آمد و از آن آب می‌نوشید. یک روز، هنگامی که داشت از برکه آب می‌خورد، پایش سر خورد و در آب افتاد. هر چه دست و پا زد، نتوانست خودش را نجات دهد. همان موقع، کبوتر که از بالای برکه پرواز می‌کرد، او را دید که در حال دست و پا زدن است. کبوتر سریع به زمین نشست و با نوکش برگ‌ی از روی زمین برداشت، سپس پرواز کرد و به بالای سر مورچه رسید. کبوتر برگ را روی آب انداخت. مورچه برگ را گرفت و روی آن نشست. بدین ترتیب، مورچه نجات پیدا کرد و از کبوتر تشکر کرد. چند روز بعد، شکارچی‌ای به جنگل آمد. کبوتر روی شاخه‌ای از درخت نشسته بود و حواسش نبود. شکارچی تیر و کمانش را بیرون آورد و به طرف کبوتر نشانه گرفت در همین لحظه، مورچه از کنار پای شکارچی عبور می‌کرد. وقتی دید کبوتر در خطر است، فوراً از کفش شکارچی بالا رفت و ساق پایش را گاز گرفت و او از درد فریاد زد. کبوتر صدای او را شنید، سریع پرواز کرد و نجات یافت. از آن پس، کبوتر و مورچه دوستان بسیار خوبی شدند. آن‌ها به یکدیگر و به دیگر حیوانات جنگل کمک می‌کردند.

منبع: بازنویسی یکی از قصه‌های ازوپ، قصه‌گوی یونان باستان



- ❶ بدون توضیح مفهوم دوستی به بچه‌ها بگویید امروز می‌خواهم برایتان قصه دوستی مورچه و کبوتر را بگویم.
- ❷ در صورت امکان از بچه‌ها بخواهید به صورت نیم‌دایره بنشینند تا کاملاً شما را ببینند.
- ❸ از فضایی از کلاس به عنوان فضای قصه‌گویی استفاده کنید که همه بچه‌ها روی آن مسلط باشند.
- ❹ از بچه‌ها بخواهید صفحه‌ای از کتاب که در آن قصه مورچه و کبوتر چاپ شده را باز کنند و تصاویرش را ببینند.
- ❺ به انتخاب خودتان می‌توانید از تصاویر کتاب کار کودک به عنوان ابزار قصه‌گویی استفاده کنید.
- ❻ اگر از تصاویر کتاب استفاده نمی‌کنید می‌توانید از دو دستتان به عنوان نقش‌های کبوتر و مورچه استفاده کنید.
- ❼ قصه را شروع کنید و از دو صدای متفاوت به عنوان صدای مورچه و کبوتر استفاده کنید.
- ❽ در طول قصه به سوال‌های مرتبطی که بچه‌ها می‌پرسند جواب دهید و جواب به سوال‌های غیرمرتبط را با آرامش به کلاس یا روزی دیگر موکول کنید.
- ❾ در انتهای قصه پرسش‌های بخش قصه و پرسش را در کلاس مطرح کنید و از همه نوآموزان در پاسخ دادن به آنها مشارکت بگیرید. در انتهای پرسش‌ها می‌توانید بگویید در هلال احمر هم ما با هم دوستیم و به دیگران کمک می‌کنیم:



قصه و پرسش درباره قصه مورچه و کبوتر حرف بزنیم

بچه‌ها حالا که قصه مورچه و کبوتر را شنیدید به این سوال‌های مربی در کلاس جواب دهید.

۱. تو اگر به جای کبوتر بودی وقتی مورچه را در حال غرق شدن می‌دیدی

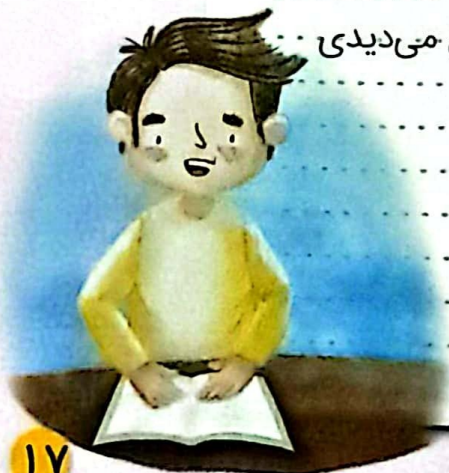
چه کار می‌کردی؟ چرا؟

۲. اگر به جای مورچه بودی وقتی شکارچی داشت کبوتر را شکار

می‌کرد چه کار می‌کردی؟ چرا؟

۳. اگر به جای مورچه و کبوتر بودی چه کمک‌های دیگری به

بقیه حیوانات جنگل می‌کردی؟





همان طور که در بخش قبل گفته شد فعالیت های آموزشی کتاب با عنوان تمرین مهربانی مشخص شده است. هدف تمرین «سه راه برای پیدا کردن دوست» آموزش شیوه های دوستیابی به کودکان است.

- ❶ از بچه ها بخواهید سه راه برای دوست شدن با دیگران نقاشی کنند.
- ❷ به آن ها تاکید کنید که مهم نیست نقاشی آن ها زیبا باشد، همین که راه های دوست شدن با دیگران را نشان دهد کافیست.
- ❸ بیشتر از نیمی از زمان کلاس را برای نقاشی ها نگذارید. زمان را با ساعت شنی به بچه ها نشان دهید.
- ❹ در نیمه دوم کلاس از بچه ها بخواهید یکی یکی، راه های دوست شدن با دیگران را با استفاده از نقاشی شان به بچه ها بگویند.
- ❺ همه راه ها را در چند عنوان کلی به عنوان راه های دوستیابی تقسیم بندی کنید. سعی کنید بیشتر از ۵ راه برای دوستیابی نگویید تا در ذهن کودکان بماند. می توانید از این راه ها سر وازه بسازید تا بهتر در ذهن بچه ها بماند.
- ❻ در انتهای کلاس به بچه ها بگویید ما در هلال احمر می توانیم با همین راه ها دوستان خوبی پیدا کنیم.





روش تدریس بازی «دایره دوستی»

همان‌طور که در بخش قبل گفته شد فعالیت‌های آموزشی بازی‌گونه در کتاب کار نوآموز با عنوان بازی مهربانی مشخص شده است. هدف آموزشی بازی دایره دوستی تاکید بر مفهوم شباهت برای انتخاب دوست مناسب است. بازی را به شکل زیر انجام دهید:

- ❶ نیمکت‌ها یا صندلی‌ها را اطراف کلاس بچینید تا یک فضای بزرگ خالی فراهم شود.
- ❷ از بچه‌ها بخواهید در یک دایره کنار هم حلقه بزنند.
- ❸ از یک نفر به عنوان داوطلب بخواهید وسط دایره بیاید و در مورد خودش چیزی بگوید. مثلاً بگوید من دوچرخه‌سواری را دوست دارم. حالا از بین افراد حلقه کلاس یکی را پیدا کند که شبیه او دوچرخه سواری را دوست دارد و از او بخواهد وسط دایره بیاید. می‌توانید برای این که یخ بچه‌ها بشکند نقش نفر اول را خودتان بازی کنید.
- ❹ حالا نفر دوم نقش اصلی بازی را دارد. از او بخواهید در مورد خودش چیز دیگری بگوید و فرد مشابهی را در افراد باقیمانده کلاس پیدا کند.
- ❺ بازی به همین شکل ادامه پیدا می‌کند تا همه افراد کلاس وسط دایره بیایند.
- ❻ در انتهای بازی بگویید ما می‌توانیم در هلال احمر آدم‌های شبیه به خودمان را پیدا کنیم و با آن‌ها دوست شویم. می‌توانید بگویید در هلال احمر همه آدم‌ها دوست دارند به بقیه کمک کنند پس همه به هم شبیه‌اند و می‌توانند دوستان خوبی برای هم باشند.





روش تدریس تمرین با هم یک کار داوطلبانه انجام دهیم

درس با هم یک کار داوطلبانه انجام می‌دهیم با هدف تمرین کار داوطلبانه توسط غنچه‌های هلال احمر طراحی شده است. گام‌های زیر را برای انجام این تمرین طی کنید:

- ① بچه‌ها را به گروه‌های دوستانه دو و سه نفره تقسیم کنید. کافیست بگویید دوست دارید با چه کسی هم‌گروه شوید. بچه‌ها معمولاً دوستان خود را به عنوان هم‌گروهی انتخاب می‌کنند.
- ① مفهوم کار داوطلبانه را برایشان توضیح دهید.
- ① به آن‌ها بگویید ما در هلال احمر داوطلبانه کار می‌کنیم.
- ① از بچه‌ها بخواهید یک کار داوطلبانه انتخاب کنند و آن را در زمان مشخصی انجام دهند. اگر کار داوطلبانه‌ای به ذهن کودکان نرسید می‌توانید از فهرست کار داوطلبانه کتاب کار استفاده کنید:



- ① تمیزکردن کلاس برای داشتن مدرسه‌ای پاکیزه
- ① کاشتن چند گیاه در باغچه حیاط کودکان‌کستان
- ① کمک کردن به مربی برای تزئین کلاس غنچه‌های هلال احمر



روش تدریس قصه صدای کوهستان

درس قصه صدای کوهستان مانند قصه‌های دیگر کتاب با عنوان قصه مهربانی مشخص شده است. همان‌طور که در بخش‌های قبل گفتیم قصه‌های کتاب باید به شیوه قصه‌گویی برای نوآموزان روایت شود. در قصه‌گویی برخلاف روایت ساده قصه، هم با نوآموزان تعامل برقرار می‌کنید و هم با هیجان قصه را تعریف می‌کنید. پیشنهادهای زیر می‌تواند قصه‌گویی شما را جذاب‌تر کند.

- ① قبل از شروع کلاس روی قصه مسلط شوید:



قصه صدای کوهستان

چوپان همیشه گله‌اش را برای چرا به دامنه کوه می‌برد. آن روز از مسیر تکراری خسته شده بود و تصمیم گرفت گله‌اش را به دره ببرد. وقتی به دره رسید، چوپان صدای چند زنگوله شنید. خوشحال شد و با خود گفت: «حتماً چوپان‌های دیگری هم به این دره آمده‌اند و صدایی که می‌شنوم، صدای زنگوله گوسفندهای آن‌هاست.» چوپان دلش می‌خواست با چوپان‌های دیگر حرف بزند تا حوصله‌اش سر نرود. پس وسط دره ایستاد و فریاد زد: «کی اون جاست؟» فوری صدای دیگری از این طرف و آن طرف دره آمد: «کی اون جاست؟» «کی اون جاست؟» چوپان فکر کرد که چند چوپان با هم به دره آمده‌اند. برای همین دوباره فریاد زد: «کجایی؟ نمی‌بینمتان!» باز هم صداهایی از اطراف آمد: «نمی‌بینمتان»، «نمی‌بینمتان»، «نمی‌بینمتان». چوپان که کم‌کم عصبانی می‌شد، فکر کرد که چوپان‌ها پشت صخره‌ها پنهان شده‌اند و دارند او را مسخره می‌کنند. این دفعه فریاد زد: «خودتان را نشان بدهید، نادان‌ها!» این بار صدای پاسخ آمد: «نادان‌ها»، «نادان‌ها»، «نادان‌ها». او ترسید و فکر کرد آنها از دستش عصبانی شده‌اند و می‌خواهند به او حمله کنند. نگران شد و گله‌اش را جمع کرد و به خانه برگشت.

پدر بزرگ چوپان وقتی او را دید، از رنگ صورتش فهمید که حالش خوب نیست. پرسید: «در کوهستان اتفاقی افتاده؟» او همه ماجرا را تعریف کرد. پدر بزرگ فهمید که چوپان از صدای خودش که در کوهستان پیچیده، ترسیده است و گفت: «من آن‌ها را می‌شناسم. خیلی مهربانند و با تو کاری ندارند. فردا دوباره به همان دره برو، اما این بار مودب و با محبت باش. آن‌ها دوست دارند حرف‌های مودبانه و دوستانه بشنوند.» چوپان خیالش راحت شد. فردا صبح دوباره گله‌اش را به همان دره برد. این بار اول فریاد زد: «سلام!» از کوهستان صدای پاسخ آمد: «سلام! سلام! سلام!» چوپان فریاد زد: «من دوستم!» از کوهستان صدای جواب آمد: «من دوستم... من دوستم... من دوستم.»



بازنویسی حکایتی هندی، منبع: کتاب
حکایت‌های فلسفی برای با هم بودن،
نوشته میشل پیکمال



- ❶ در صورت امکان از بچه‌ها بخواهید به صورت نیم‌دایره بنشینند تا همه شما را ببینند.
- ❶ بخشی از کلاس را به عنوان فضای قصه‌گویی در نظر بگیرید. خودتان بدانید کجای این فضا قرار است کوهستان و کجا قرار است خانه پدر بزرگ باشد.
- ❶ صدای چوپان، صدای کوهستان و صدای پدر بزرگ را با لحن‌های متفاوت بگویید.
- ❶ وقتی بار دوم چوپان به کوهستان می‌رود و کلمات مودبانه می‌گوید از بچه‌ها بپرسید چوپان با هر کلمه چه جوابی از کوهستان می‌شنود؟
- ❶ در طول قصه به سوال‌های مرتبطی که بچه‌ها می‌پرسند جواب دهید و جواب به سوال‌های غیرمرتبط را با آرامش به کلاس یا روزی دیگر موکول کنید.
- ❶ در انتهای قصه سوال‌های بخش قصه و پرسش را با بچه‌ها در میان بگذارید. بعد از جواب بچه‌ها به پرسش‌ها تاکید کنید ما در هلال احمر با کلمات محترمانه با هم صحبت می‌کنیم و با کسانی که به آنها کمک می‌کنیم هم محترمانه رفتار می‌کنیم.

قصه و پرسش درباره قصه صدای کوهستان حرف بزنیم

بچه‌ها حالا که قصه صدای کوهستان را شنیدید به این سوال‌های مربی در کلاس جواب دهید.

۱. چرا در روز دوم چوپان کلمه‌های محترمانه‌ای از کوهستان شنید؟

۲. به نظر تو اگر به دوستان کلمه‌های بی ادبانه مثل «نااذان» بگوییم او چه احساسی دارد؟

۳. اگر به دوستان کلمه‌های مودبانه بگوییم چه احساسی دارد؟

